

ساعاتی با یک رمال و دعانویس

گرفتار رمالی



یوسف صدیقی

تکه کاغذی را بر می دارد و کلمه های نامفهوم و در هم و برهمی را روی آن می نویسد. دود اسپندرازیاد می کند تا فضا غبار آلود و به زعم خودش معنوی شود. می گوید: «تنهایی جایی رفتی که در اون مکان جن بوده و اون تو رو آذیت کرده.

دعایی برات می نویسم اما باز نکنی که جن ها ناراحت می شن و بخت ات باز نمی شه. یکی را آب کش کن و کمی از اون بخور و بقیه رو اطراف خونه دختر مورد علاقه ات بریز، دومی رو کنار یه قبرستان قدیمی دفن کن تا طلسم باز بشه.

پدیده رمالی و فالگیری از قدیم وجود داشته و به عنوان یک معضل اجتماعی دامنگیر بسیاری از جوامع بوده و همچنان است. این معضل اجتماعی

متأسفانه در کشور و به تبع آن در استان ما وجود دارد و از این راه درآمدهای باد آورده ای نصیب رمال ها می شود.

برخی از این رمال ها و فالگیرها با استفاده از کتاب های قدیمی کار خود را پیش می برند تا اطمینان افراد ساده لوح را از این کار غیر شرعی و غیراخلاقی با استفاده از مقدسات افزایش دهند

و جیب گشادشان را پر کنند. متأسفانه گفته می شود: در سال های اخیر مراجعه به دعانویس، رمال و جن گیر و همچنین دریافت وجه کلان در مقابل انجام این اقدام ها افزایش یافته است. دستگیری رمال سابقه دار، کلاهبرداری رمال ها از دختران دم بخت و کلاهبرداری تحت بخت گشایی تیر خیرهایی است که در رسانه ها می توان مشاهده کرد.

دل بستن به دست نوشته ها

غروب یک روز بهاری به همراه یکی از دوستان بعد از طی مراحل نوبت گیری و هماهنگی که بهانه بخت گشایی ویپی بردن به رمز و راز چگونگی کلاه گذاشتن یک «دعانویس» و رمال بر سر افراد ساده لوح راهی آدرس مد نظر می شوم.

پس از گذشتن از چند کوچه و پس کوچه در حاشیه شهر با نشانه هایی که از قبل دریافت کرده بودم به آدرس مورد نظر می رسم؛ ساختمان قدیمی و از چند اتاق تو در تو تشکیل شده است.

افراد ناشناسی در حال ورود و خروج از حیاط هستند. در اتاق انتظار تعدادی زن و مرد مسن و جوان دور تا دور هم نشسته اند تا در خیال واهی توسط «دعانویس» بخت شان باز شود و به آرزوهای دور و درازشان برسند.

نیم نگاهی به اطرافم می کنم و سر صحبت را با مرد جوانی که برای حل مشکل خانوادگی اش مراجعه کرده است، باز می کنم. از او می پرسم کار دعانویس چطور است و می شود روی حرف های او حساب باز کرد؟ پاسخ می دهد: «درسته که بار اولمه این جا می یام اما تعریفش رو از دوستم زیاد شنید، می گفت کارش حرف نداره. چند سالیه که با زنم مشکل دارم و زندگیم در مرز طلاقه، به ناچار این جا اومدم و امیدوارم جواب بگیرم».

اغلب مراجعه کنندگان با امید واهی دل به دست نوشته های دعانویس بسته بودند و در خیال خودشان با گرفتن گره های بخت گشایی، خوشبختی به آن ها رو خواهد کرد و بدشانسی شان تمام می شود.

فربخ خورده

در این میان صحبت های یکی از مراجعه کنندگان که زن جوان «دعا نویس» با گره بخت گشایی نه تنها گره ای از مشکلات وی را باز نکرده بلکه برعکس او را گرفتار کرده است، شنیدنی بود.

مرد بخت برگشته با دلی پر می گوید: «مدتی کار و بارم کساد بود و دست به هر کاری می زدم به بن بست می خوردم تا این که با راهنمایی یکی از دوستانم به این دعانویس مراجعه کردم. دعانویس برای حل مشکل ام چند گره بخت گشایی داد و گفت که یک گره را هر بار با اسپند داخل اتاق تاریک دود و دیگری را به گوشه کتم سنجاق کنم و هیچ وقت کتم را از خودم دور نکنم. من مویه دو مستورات زن دعانویس را اجرا کردم و روزها داخل انباری می رفتم و قسمتی از گره را با اسپند دود می کردم و شب ها با کتی که گره دیگر به آن سنجاق شده بود، می خوابیدم.

این ماجرا مدتی ادامه پیدا کرد تا این که زنم به خیال این که من معتاد شدم و داخل انباری مواد مصرف می کنم به من مشکوک شد و از طرفی از آن جایی که کتم را تحت هیچ شرایطی از خودم دور نمی کردم بیشتر شک کرد.

صبح یک روز وقتی جلوی در رفتم ناگهان ۲ مرد من را به زور سوار خودرو کردند و به کمپ بردند. داخل کمپ فهمیدم که آن ها به درخواست زنم این کار را کرده اند و اکنون این جا آمده ام تا تکلیف ام را با زن دعانویس روشن کنم».

فرشته نجات!

مراجعه کنندگان ساده لوح که تحت تاثیر حرف های مرد هماهنگ کننده یا به اصطلاح مدیر برنامه های زن دعانویس قرار گرفته بودند با شنیدن جملات مرد فربخ خورده نه تنها حرف او را تایید نمی کنند بلکه برعکس او را متهم به اهمال کاری و زن دعانویس را فرشته نجات زندگی خود معرفی می کنند! بالاخره بعد از گذشت ساعاتی نوبت ملاقات من و همراهم با زن جوان دعانویس فرا می رسد.

فضای خانه هوش را از سر می پراند. زن جوان

گزارش

کنی». با تکان دادن سرم، حرف هایش را تایید و برای رو کردن بقیه شگردهای حيله گرانه اش از او سوال دیگری می کنم که دوباره زن جوان (دعانویس) عصبانی می شود و می گوید: «همین کارها را می کنی که کسی به تو دختر نمی ده! زیاد حرف و مشکوک می زنی نکته نقشه ای داری؟

حواست باشه». دوستم دوباره پا در میانی می کند تا اوضاع را آرام کند و برای رد گم کردن تشری به من می زند تا زن رمال بیشتر به ما مشکوک نشود.

آقای خبرنگار

در حین بگو و مگوی ما و زن جوان «دعانویس» ناگهان یکی از قمار بازها وارد اتاق می شود که من را می شناسد و با لحن خاصی که به خاطر چاپ گزارش «بازی قماربازها» در روزنامه از من دلخور بود، خطاب به من می گوید: «چطوری آقای خبرنگار؟! از این طرف ها، باز چه نقشه ای در سر داری؟» ناگهان ورق بر می گردد و ماجرا لو می رود و دعا نویس متوجه دلیل اصلی مراجعه ما می شود و فریاد زنان شروع به ورد خوانی و به اصطلاح احضار آدم های خود (اجنه) می کند تا ما را تنبیه کند!

تعقیب و گریز

به همراه دوستم قبل از این که فرد هماهنگ کننده یا به اصطلاح مدیر برنامه هایش سر برسد پا به فرار گذاشتیم.

در تاریکی شب برای گم کردن تعقیب کنندگان احتمالی در یک خرابه پناه گرفتیم. همچنان که ضربان قلب ما تند می زد ناگهان با دو سیاهی مواجه شدیم و شروع به فریاد زدن کردیم، آن ها هم از ترس به دیوار میخکوب شدند.

برای لحظاتی سکوت مرگباری بین ما حاکم شد و تازه متوجه حقیقت شدیم.

آن دو سیاهی، معتادان شیشه ای و در حال تزریق مواد بودند. یکی از معتادان رو به ما می گوید: «داداش چه کار می کنین؟ زهره ما رو آب کردین، هر چی زده بودیم پرید، زحمت ما چند برابر شد!»

با بیرون آمدن از خرابه به راه مان ادامه می دهیم

تا از قلمرو زن «دعا نویس» دور شویم. مدام در

افکارم مرور می کنم، چه عواملی باعث می شود

آدم ها برای برطرف کردن مشکل خود به چنین

افراد شایدی مراجعه کنند و رمال و دعانویس ها

هم برخی مواقع از برطرف کردن حتی کوچک

ترین دغدغه و مشکل شان عاجز هستند.

دلایل رو آوردن به رمالان

به گفته یک کارشناس مذهبی، بروز پدیده رمالی و دعانویسی بسته به علل مختلفی نظیر افسردگی، نا آگاهی، خرافاتی بودن، مدیریت نکردن شرایط زندگی و فشارهای مالی و در برخی مواقع ممکن است فرد در شرایط خاصی باشد و چنان عرصه بر او تنگ شود که دست به هر اقدامی بزند.

جناب آقای هادی کیوان

حسن انتصاب بجا و شایسته حضرتعالی را به سمت **ریاست حراست**

دانشگاه آزاد اسلامی واحدشیروان تبریک عرض نموده ،رجاء واثق

داریم تجارب ارزنده شما درمنصب موجب خیروبرکت خواهد شد.

خانواده حاجی پور

اطلاعیه

قابل توجه اعضای محترم فاز ۱ شرکت تعاونی مسکن مهر فرهنگیان اسفراین به شماره ثبت ۲۹۱

با عنایت به اینکه چندین سال از اتمام عملیات اجرایی فاز ۱ گذشته است و علی رغم اطلاع رسانی های مکرر، تعدادی از اعضا نسبت به تحویل واحدهای خود هیچ گونه اقدامی ننموده اند، از تاریخ انتشار این آگهی، یک هفته به آنان مهلت داده می شود تا نسبت به تحویل واحد خود اقدام نمایند. بدیهی است پس از مدت مذکور، شر کت هیچ گونه مسئولیتی در خصوص نگهداری و مراقبت از واحدها را ندارد و کلیه خسارات وارده به واحدها به عهده اعضا می باشد. جهت هماهنگی به آقای باقری با شماره ۰۹۱۵۵۷۶۶۳۰۴ تماس حاصل نمایند.

هیئت مدیره

فراخوان تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای

(نوبت دوم)

شرکت شهرکهای صنعتی خراسان شمالی درنظر دارد پیمان موضوع «آبرسانی به ناحیه صنعتی راز

و جر گلان» را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای به پیمانکاران رتبه آب (کلیه پایه ها) معتبر

از سازمان مدیریت و برنامه-ریزی واگذار نماید. لذا در صورت تمایل جهت دریافت و تکمیل اسناد

مناقصه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مراجعه نموده و طبق برنامه زمان بندی ذیل اقدام

نمایید.
مبلغ برآورد مناقصه: ۴۳۸/۷۹۸/۳۵۱/۵ریال

مبلغ و نوع ضمانتنامه: ۰۰۰/۶۰۰/۲۶۷ریال (دویست و شصت و هفت میلیون و ششصدهزار

ریال) مطابق آیین نامه تضمین معاملات دولتی.

آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستاد ایران: ساعت ۱۹ روز سه شنبه مورخ

۱۳۹۹/۰۳/۲۰.

آخرین مهلت ارسال پاکات مناقصه و پیشنهاد قیمت در سامانه: ساعت ۸ صبح روز شنبه مورخ

۱۳۹۹/۰۳/۳۱.

بازگشایی اسناد مناقصه و پیشنهاد قیمت: ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۳۱.

شرکت شهرکهای صنعتی خراسان شمالی